

Transfer of Criminal Liability of Legal Persons in the Merger Process



Amin Jafari

Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran
amin.jafari@atu.ac.ir



Matin Safiri

Bachelor of Laws, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Sanandaj Branch, Sanandaj, Iran (Corresponding author)
matin.safiri@iausdj.ac.ir



Abstract

The merger of commercial companies involves the integration of distinct legal entities to achieve a stronger position in the economic arena. While competition law may restrict mergers in certain contexts, they are widely recognized in business law as mechanisms to maximize production, enhance distribution, or resolve financial crises, particularly in sectors like banking. Beyond these economic objectives, however, mergers can be exploited as a means for a legal entity to evade criminal liability by transferring it to the successor company.

Against this backdrop, legal theories on this issue vary widely, from the complete non-transferability of criminal liability to its full transfer from the merged to the successor entity. These doctrines, however, have been largely overlooked in Iranian substantive law. The Islamic Penal Code and other relevant

Journal of Research and
Development in Criminal Law and
Criminology

Iranian Law and Legal Research
Institute

Vol. 2 | No. 3 | Spring and
Summer 2025
(Original Article)

<https://jcl.illrc.ac.ir>

DOI:

[10.22034/jcl.2025.2050004.1145](https://doi.org/10.22034/jcl.2025.2050004.1145)

statutes remain silent on the transfer of criminal liability following a corporate merger. This legislative gap has resulted in divergent judicial rulings. Adopting a descriptive-analytical approach, this article examines the principles of corporate criminal liability, the legal mechanics of mergers, the theoretical arguments regarding the transfer of liability, and the varied judicial approaches taken in response to this issue.

Keywords: Successor Liability, Corporate Criminal Liability, Corporate Mergers, Legal Persons.



انتقال مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در فرآیند ادغام

دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی،
دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
amin.jafari@atu.ac.ir

امین جعفری



کارشناسی حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد
سنندج، سنندج، ایران (نویسنده مسئول)
matin.safiri@iausdj.ac.ir+

متین سفیری



دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و

جرم‌شناسی

پژوهشگاه حقوق و قانون ایران

دوره ۲ | شماره ۳ | بهار و تابستان ۱۴۰۴

(مقاله پژوهشی)

www.jclc.illrc.ac.ir

DOI:

[10.22034/jclc.2025.2050004.1145](https://doi.org/10.22034/jclc.2025.2050004.1145)

چکیده

ادغام شرکت‌های تجاری تجمیع واحدهای مختلف اشخاص حقوقی به منظور حضوری پررنگ تر در عرصه فعالیت اقتصادی است. ادغام هر چند در حقوق رقابت گاه نامطلوب و حتی ممنوع است در عرصه های دیگر حقوق کسب و کار در جهت حداکثری کردن تولید و توزیع و یا حتی برای مقابله با بحران‌های مالی (در نظام بانکی) مورد توجه قرار گرفته است. فراتر از آن، ادغام می تواند راهکاری برای فرار از مسئولیت کیفری شخص حقوقی ادغام شونده در قالب مسئول نمودن شخص حقوقی ادغام پذیر تعبیر گردد. این امر می تواند برای برخی اشخاص حقوقی در جهت اقدامات مجرمانه و بطور دقیق تر فرار از مسئولیت کیفری صورت گیرد.

با این اوصاف، در این باره نظریه‌ها و دیدگاه‌هایی از عدم انتقال مسئولیت کیفری از شرکت ادغام شونده به شرکت ادغام پذیر تا انتقال این مسئولیت در فرآیند ادغام مطرح شده است. این نظریات در حقوق موضوعه برخی کشورها از جمله ایران نادیده انگاشته شده و در قانون مجازات اسلامی و دیگر قوانین، مساله انتقال مسئولیت کیفری مسکوت مانده است.

به تبع اینگونه جهت گیری تقنینی، رویه‌های قضایی متفاوتی صادر شده است که در مقاله پیش‌رو که با روش توصیفی تحلیلی نگارش شده است، اصول مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، فرآیند حقوقی ادغام و انتقال یا عدم انتقال مسئولیت کیفری این اشخاص در چهارچوب نظری و نهایتاً نحوه اتخاذ موضوع قضات مورد بررسی و کنکاش قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: انتقال مسئولیت کیفری، ادغام اشخاص حقوقی، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی ناشی از ادغام، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی.

مقدمه

در قوانین ایران در دوره‌های مختلف تعریفی از مسئولیت کیفری ارائه نشده است اما در یک تعریف کلی الزام شخص به پاسخگویی در قبال تعرض به دیگران، خواه به جهت حمایت از حقوق فردی صورت بگیرد و خواه به منظور دفاع از جامعه، تحت عنوان مسئولیت کیفری شناخته می‌شود (قریشی و ملایی، ۱۴۰۰). در تعبیری ساده تر، مسئولیت کیفری تعهد فرد در یک جامعه مدنی برای حفاظت از ارزشهای نخستین و ثانویه آن جامعه در جهت رعایت از نظم عمومی است. از مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی برای نخستین بار در ماده ۱۹ قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۹ یاد شد و سپس مواد ۲۰^۱ و ۱۴۳^۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به عنوان یک قانون عام اشاره نمود. در فرانسه پیش از سال ۱۹۹۲ میلادی، اصل بر عدم مسئولیت اشخاص حقوقی تلقی می‌گردید و مجموعه پیشین قوانین کیفری فرانسه

^۱ ماده ۲۰- در صورتی که شخص حقوقی براساس ماده (۱۴۳) این قانون مسؤول شناخته شود، با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان بار آن به یک تا دو مورد از موارد زیر محکوم می‌شود، این امر مانع از مجازات شخص حقیقی نیست: الف- انحلال شخص حقوقی ب- مصادره کل اموال پ- ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال ت- ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال ث- ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری حداکثر برای مدت پنج سال ج- جزای نقدی چ- انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها تبصره- مجازات موضوع این ماده، در مورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیر دولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند، اعمال نمی‌شود.

^۲ ماده ۱۴۳- در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.

اشخاص حقیقی را مسئول اعمال و جرایم اشخاص حقوقی می‌شناختند (جعفری، ۱۳۹۹) اما پس از تصویب مجموعه جدید قوانین کیفری فرانسه در سال ۱۹۹۲، این مسئولیت در ماده ۲-۱۲۱ به رسمیت شناخته شد. حقوقدانان فرانسوی پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را به عنوان مهمترین نوآوری مجموعه جدید قوانین کیفری می‌دانند. (Leturmy, Kolb. 1994. Danjaume, Arpin Gonnet. 2003; Le Gunenec. 2008)

به طور کلی دو دیدگاه پذیرش و عدم پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی وجود دارد (استفانی و همکاران؛ حسن دادبان، ۱۳۷۷؛ ۱۲۸). در دیدگاهی که اشخاص حقوقی را در قبال جرایم کیفری مسئول می‌داند، عمده استدلال ابر این اساس است که اولاً باید با واقعیات جامعه همگون شد زیرا امروزه اشخاص حقوقی تاثیر بسزایی در جامعه دارند برای مثال برخی از شرکت‌های تجاری ثروت و تراکنش‌های مالی هم‌ردیف با بسیاری از دولت‌ها دارند و یا موسسات فرهنگی وجود دارند که نقش بسزایی در اعتلای فرهنگی جامعه نقش دارند و یا بنگاه‌های خبری که با امواج خبری خود موجبات بروز جنگ و آشوب می‌شوند (قریشی و ملایی، ۱۴۰۰). در این شرایط بدیهی است که رفتار بسیاری از اشخاص حقوقی در رشد اقتصاد و حفظ محیط زیست و یا سقوط اقتصاد و تنگنا قرار دادن جامعه موثر می‌باشد (اشتیاق، وحید، ۱۳۸۶؛ ۴۸) فلذا بی دفاع کردن جامعه در مقابل خطرات احتمالی اشخاص حقوقی و چشم‌نهادن بر واقعیات از منطق به دور است ثانیاً برخلاف نظریه اول که شخص حقوقی را موجودی انتزاعی می‌دانست که قابلیت اعمال مجازات ندارد در این دیدگاه با توجه به واقعیات جامعه و قوانین بروز شده، شخص حقوقی یک شخص واقعی و نه تخیلی و انتزاعی است برای مثال رویه قضایی فرانسه از گذشته اشخاص

حقوقی را واقعی قلمداد می‌نموده است^۱ ثالثاً تضمین سلامت رفتار اشخاص حقوقی، استقرار عدالت و همچنین وجود مجازات‌های متناسب با ماهیت اشخاص حقوقی ایجاب می‌کند که اشخاص حقوقی در قبال رفتار مجرمانه خود مسئول قلمداد گردند.

باید به این مهم توجه نمود که اشخاص حقوقی در هر صورت و بطور مطلق مسئول رفتارهای مجرمانه نخواهند بود زیرا وفق قانون ایران (ماده ۱۴۳ ق.م.ا) و فرانسه (ماده ۲-۱۲۱ قانون جزایی فرانسه) وجود دو شرط اساسی جهت انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی ضروری است. اولاً نماینده قانونی شخص حقوقی باید به نام شخص حقوقی مرتکب جرم شود که در اینجا مقصود از نماینده شخص یا اشخاصی هستند که مسئولیت اداره شخص حقوقی را بر عهده دارند فلذا اگر مدیرعامل شرکتی به نام شرکت اقدام مجرمانه‌ای انجام دهد بنابه ماده ۲۰ و قسمت اخیر ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی و ماده ۳-۱۲۱ قانون جزایی فرانسه هم شرکت و هم مدیرعامل مسئول خواهند بود. در فرانسه حتی نماینده نماینده (زیرنماینده) نیز می‌تواند برای شخص حقوقی مسئولیت کیفری ایجاد کند^۲ ثانیاً نماینده قانونی شخص حقوقی باید در راستای منافع شخص حقوقی مرتکب جرم شود و به عبارتی به حساب شخص حقوقی ((جعفری، ۱۳۹۹، همان)). با توجه به مواد ۲۰ و ۱۴۳ و ۱۴^۳ قانون مجازات اسلامی می‌توان استنباط نمود

^۱ Cass. Civ., 28 Janvier 1954.

^۲ Crim. 26 Juin 2001.

^۳ ماده ۱۴- مجازات‌های مقرر در این قانون چهار قسم است: الف) حد ب) قصاص پ) دیه ت) تعزیر تبصره - چنانچه رابطه علیت بین رفتار شخص حقوقی و خسارت وارد شده احراز شود دیه و خسارت، قابل مطالبه خواهد بود اعمال مجازات تعزیری بر اشخاص حقوقی مطابق ماده (۲۰) خواهد بود.

که جرایم تعزیری، قتل و صدمات بدنی عمدی و غیر عمدی جرایمی هستند که می‌توان اشخاص حقوقی را به ارتکاب آنها محکوم نمود (موسوی مجاب و رفیع‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۵۰). از میان مجازات‌های اصلی، مجازات‌های مالی (از قبیل مصادره کل اموال، جزای نقدی و دیه)، مجازات‌های سالب یا محدود‌کننده حقوق (از قبیل ممنوعیت دائم یا موقت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی، ممنوعیت دائم یا موقت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه و ممنوعیت موقت از اصرار بر خرید اسناد تجاری) و دیگر مجازات‌ها (از قبیل انحلال شخص حقوقی و انتشار حکم محکومیت) قابلیت اعمال بر اشخاص حقوقی دارند و از میان مجازات‌های احصاء شده در ماده ۲۳ ق.م.ا. صرفاً منع از اقامت در محل یا محل‌های معین، منع از اشتغال به شغل حرفه یا کار معین، منع از داشتن دسته چک و یا اصدار اسناد تجاری، توقیف وسایل ارتکاب جرم یا رسانه یا موسسه دخیل در ارتکاب جرم و انتشار حکم محکومیت قطعی قابلیت اعمال بر اشخاص حقوقی را دارند.

همانگونه که پیشتر بیان شد، در قوانین موضوعه ایران به انتقال مسئولیت مدنی در فرآیند ادغام اشاره‌های پراکنده شده است و در رویه قضایی نیز اخیراً هیات عمومی دیوان عالی کشور پس از اختلاف نظر فی‌مابین شعب هفدهم و بیست و هشتم دیوان عالی کشور، در خصوص مرجع صالح برای رسیدگی به دعاوی اشخاص (اعم از حقیقی و حقوقی) به طرفیت بانک مهر اقتصاد که با بانک سپه ادغام شده است، در تاریخ ۱۴۰۳/۰۶/۲۰ اقدام به صدور رای وحدت رویه به شماره ۸۵۱ نموده است که بر اساس نظر نماینده دادستان کل کشور در این رای، مستفاد از بند ۱۶ ماده ۱ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶ و ماده ۱۰۵ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹ شخصیت حقوقی جدیدی خلق می‌شود که در آن کلیه حقوق و تعهدات شرکت ادغام شده به شرکت پذیرنده منتقل شده و شرکت پذیرنده، قائم مقام شرکت ادغام شده می‌شود. اما آیا دیدگاه قضات

ایرانی در رابطه با انتقال مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در فرآیند ادغام نیز به همین گونه و بر اساس قاعده قائم مقامی است و یا اینکه قضات اساساً انتقال مسئولیت کیفری را نمی‌پذیرند؟ و به همین منوال نظر قضات فرانسوی و رویه قضایی فرانسه در اینخصوص چیست؟ پر واضح است که با توجه به تفاوت ماهوی و کارکردی مسئولیت مدنی از مسئولیت کیفری، نظریه‌ها و دیدگاه‌های پیشین نمی‌تواند پیشران استدلال‌ات در انتقال مسئولیت کیفری باشد.

با این اوصاف اصل در حقوق کیفری بر مسئولیت شخصی است و ماده ۱۴۱ قانون مجازات اسلامی نیز در راستای اصل شخصی بودن جرایم و مجازات تبیین می‌شود ولی آیا می‌توان گفت که این اصل برای اشخاص حقوقی استثنائاتی قایل است؟ فراتر از آن آیا در فرآیند ادغام دو یا چند شخصیت حقوقی، در صورتی که یکی از این اشخاص مرتکب جرمی شده باشد، آیا مسئولیت کیفری ناشی از این جرم همانند مسئولیت مدنی به شخصیت حقوقی پذیرنده ادغام انتقال می‌یابد؟ چالش‌های حقوقی ناشی از ادغام در رابطه با مسئولیت کیفری چیست؟ با توجه به موارد بیان شده مقاله پیش‌رو در دو بخش به بررسی و تحلیل این پرسش‌ها در قالب چهارچوب نظری انتقال مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی (بخش نخست) و رویه قضایی مرتبط با این مبحث (بخش دوم) خواهد پرداخت.

بخش نخست: مطالعات نظری درخصوص مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در روند ادغام

جهت بررسی چهارچوب نظری انتقال مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در فرآیند ادغام ابتدا بایستی ماهیت حقوقی ادغام شرکت‌های تجاری و انواع آن و متعاقباً آثار حقوقی مرتب بر آن مورد بررسی قرار بگیرد تا بتوان بر اساس تفکیک‌های صورت پذیرفته نسبت به بررسی انتقال و یا عدم انتقال مسئولیت کیفری در هر قسم از انواع ادغام طرح بحث نمود.

الف) فرآیند حقوقی ادغام

در اصطلاح حقوقی ادغام به معنای پیوستن دو یا چند شرکت به هم و تشکیل یک شرکت جدید است (مجاهد، افشین، ۱۴۰۰؛ ۸۰). در قانون تجارت فعلی مصوب ۱۳۱۱ و همچنین لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ هیچگونه تعریفی از ادغام ارائه نشده است و صرفاً در قوانین موردی و خاص تعریف برخی از انواع ادغام بیان شده است.^۱ برخی از قوانین مانده ماده ۱۰۵ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران به تعدادی از مقررات حاکم بر ادغام شرکت‌های تجاری پرداخته است همچنین قوانین ایران در مواد ۳ و ۱۷ لایحه قانونی اداره امور بانک‌ها مصوب ۱۳۵۸ ادغام بانک‌های دولتی و در ماده ۱۰۵ آیین‌نامه نحوه تاسیس و اداره موسسات اعتباری غیردولتی مصوب ۱۳۹۳ ادغام بانک‌های خصوص را پذیرفته است. لایحه قانون تجارت مصوب ۱۴۰۳/۰۱/۲۸ مجلس شورای اسلامی به عنوان قانونی عام با اتخاذ رویکردی مناسب و درخور توجه در ماده ۲۹۱۶ و تبصره ماده ۹۱۸^۳، اقدام به تعریف ادغام و بیان انواع آن

^۱ ماده ۵۸ قانون تاسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری مصوب ۱۳۶۷/۰۹/۱۳، تبصره ۱ ماده ۱ قانون اداره‌ی امور شرکت‌های بیمه مصوب ۱۳۶۷/۰۹/۱۳، ماده ۴۰ قانون چهارم توسعه مصوب ۱۳۸۲، ماده ۱۰۵ قانون برنامه پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۹، ماده ۵۳ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰، ماده ۱ قانون تاسیس شرکت سهامی کارخانه‌های ایران و فروش سهام مصوب ۱۳۴۴، بند ۱۶ ماده ۱ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه مصوب ۱۳۸۶

^۲ ماده ۹۱۶ - ادغام شرکتها به دو قسم ساده یا مرکب انجام میگردد. به جذب یک یا چند شرکت در یک شرکت موجود دیگر، ادغام ساده و به تشکیل شرکت جدید از طریق ادغام حداقل دو شرکت در یکدیگر، ادغام مرکب اطلاق می‌شود. در ادغام ساده شرکت جذبشده و در ادغام مرکب شرکت‌های ادغام شده، شخصیت حقوقی خود را از دست میدهند.

^۳ تبصره ماده ۹۱۸ - ادغام عملی شرکتها نیز مشمول حکم مقرر در این ماده است. منظور از ادغام عملی آن است که یک شرکت با خرید اکثریت سهام شرکت دیگر عملاً کنترل آن را به دست بگیرد.

نموده است همچنین ماده ۹۱۹^۱ با اشاره به انتقال تمامی دارایی‌ها، حقوق، تعهدات، دیون و مطالبات شرکت‌های ادغام شونده به شرکت پذیرنده، عملاً نخستین قانون عامی خواهد بود که اشاره مستقیم به انتقال مسئولیت مدنی در روند ادغام شرکت‌های تجاری دارد. ادغام در تعریف تجاری نوعی استراتژی است جهت رشد و توسعه شرکت‌ها در دنیای فرا صنعتی امروزی که از جمله اهداف آن می‌توان به خلق ارزش و هم‌افزایی ثروت صاحبان سهام و یا سهم الشرکه‌داران، افزایش تولید و عرضه خدمات و جلوگیری از فروماندگی در میدان رقابت اشاره نمود (جهان‌خانی و همکاران، ۱۳۸۵؛ ۷۴-۴۷). با این وجود بنا به عللی از قبیل سکوت و ابهام قانون و عدم وجود وحدت رویه قضایی در نظام حقوقی ایران که جلوتر بطور مفصل‌تر بیان خواهد شد، در برخی از موارد مشاهده شده است که شرکت‌هایی به قصد فرار از مسئولیت‌های کیفری ناشی از ارتکاب جرم، رو به ادغام آورده‌اند.

جهت بررسی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در روند ادغام و انتقال این مسئولیت از شرکت ادغام شونده به شرکت ادغام‌کننده ابتدا باید طرق مختلف ادغام و انواع آن را مورد بررسی و کنکاش قرار داد زیرا بسته به نوع ادغام، ممکن است که شخصیت حقوقی ادغام شونده پابرجا بماند و به حیات خود ادامه دهد و یا آنکه اساساً پس از ادغام منحل گشته و وجود خارجی نداشته باشد. در یک تقسیم‌بندی کلی و با ملاک قرار دادن معیار بیان شده یعنی حیات یا عدم حیات شخصیت حقوقی شرکت ادغام شونده پس از ادغام، دو دسته ادغام وجود دارد: الف) ادغام عملی ب) ادغام قانونی (واقعی)؛ (Kansal, Chandani, 2014; 20). شرکت ادغام شونده پس از ادغام محو و منحل نمی‌شود و وبه حیات خود ادامه

^۱ ماده ۹۱۹- پس از ثبت ادغام در مرجع ثبت، تمامی دارایی‌ها، حقوق، تعهدات، دیون و مطالبات شرکت‌های موضوع ادغام، به شرکت پذیرنده و یا شرکت جدید منتقل می‌شود.

می‌دهد بنابراین اساساً مسئولیت کیفری و حتی مدنی شرکت ادغام شونده به ادغام کننده منتقل نمی‌گردد فلذا این ادغام‌ها خارج از موضوع مقاله پیش‌رو می‌باشد و آنچه محل بحث و گفتگو است انتقال مسئولیت کیفری در ادغام قانونی است.

ادغام قانونی (واقعی) بر اساس نوع ترکیب و تلفیق شرکت یا شرکت‌های ادغام شونده و ادغام کننده به دو نوع ادغام ساده (یکجانبه) و ادغام ترکیبی (دو یا چندجانبه) تقسیم می‌گردد. ادغام ساده گونه‌ای از ادغام است که از طریق جذب یک یا چند شرکت با محو شخصیت حقوقی آنها (به عنوان شرکت یا شرکت‌های اقدام شونده) در شرکت موجود با حفظ شخصیت حقوقی (به عنوان شرکت پذیرنده ادغام) انجام می‌پذیرد (صفری، محمد، ۱۳۹۰؛ ۱۹۳) به بیان ساده‌تر یک یا چند شرکت (ادغام شونده) در یک شرکت دیگر (ادغام کننده) جذب می‌شود در حالی که شخصیت حقوقی شرکت ادغام شونده محو و زائل می‌گردد و شخصیت شرکت ادغام کننده پابرجا باقی خواهد ماند. ادغام ترکیبی نیز بدین صورت است که چند شرکت دورن یکدیگر ادغام می‌شوند و با پایان دادن به شخصیت حقوقی خود، شخصیت حقوقی جدید را خلق می‌نمایند.

با وجود تفاوت میان نحوه تلفیق و ترکیب این دو مدل از ادغام باید اشاره نمود که آثار حقوقی هر دو مشابه یکدیگر هستند. منحل شدن و از بین رفتن شخصیت حقوقی شرکت یا شرکت‌های ادغام شونده در هر دو طریق بدون نیاز به گذراندن مراحل تصفیه صورت می‌گیرد و همچنین با زائل شدن شخصیت حقوقی شرکت ادغام شونده، شرکت جدید به عنوان جانشین و قائم مقام، کلیه دارایی‌های مثبت و منفی را دارا می‌شود و علی‌الاصول مسئولیت مدنی این شرکت‌ها نیز به شرکت جدید منتقل می‌گردد. انتقال مسئولیت مدنی

از شرکت یا شرکت‌های ادغام شونده به ادغام کننده در برخی از قوانین خاص ذکر گردیده است.^۱

ب) مسئولیت کیفری از عدم انتقال تا انتقال در ادغام

با توضیحات اخیر می‌توان پی برد که محل اختلافات نظری و بحث پیرامون انتقال و یا عدم انتقال مسئولیت کیفری در روند ادغام مربوط به ادغام قانونی (واقعی) است یعنی در جایی که شخصیت حقوقی ادغام شونده از اساس زائل و محو شده و در شرکت جدید جذب می‌شود. همانگونه که پیش‌تر مطرح شد علت عمده این اختلافات نیز ناشی از سکوت و ابهام قوانین کیفری و عدم توجه قانونگذار به این مهم می‌باشد. برخلاف انتقال مسئولیت مدنی در روند ادغام که در قوانین مختلف ایران بدان اشاره شده است، قانونگذار در ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی^۲ بطور کلی مسئولیت کیفری شخص حقوقی را پذیرفته است و

^۱ ماده ۲۰ لایحه قانونی ادغام اداره‌ی امور بانک‌ها مصوب ۱۳۷۸، تبصره ۱ ماده واحده‌ی لایحه قانونی ادغام شرکت ملی ذوب آهن ایران و شرکت ملی صنایع فولاد ایران و تشکیل شرکت ملی فولاد ایران، ماده ۱۰۵ قانون برنامه پنجم توسعه

^۲ ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی: در صورتی که شخص حقوقی بر اساس ماده ۱۴۳ این قانون مسئول شناخته شود، با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان بار آن به یک تا دو مورد از موارد زیر محکوم می‌شود، این امر مانع از مجازات شخص حقیقی نیست: الف) انحلال شخص حقوقی ب) مصادره کل اموال پ) ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به‌طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال ت) ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه به‌طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال ث) ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری حداکثر برای مدت پنج سال ج) جزای نقدی (چ) انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها

در سایر قوانین خاص کیفری و همچنین در قانون مجازات اسلامی در خصوص انتقال این مسئولیت در روند ادغام صحبتی به میان نیامده است. بر این اساس دو نظریه پدید می‌آید که هر کدام به گونه‌ای دارای عیب می‌باشند. عده‌ای بر این باورند که همانند مسئولیت مدنی و بر اساس قاعده قائم مقامی و به جهت جلوگیری از بی‌کیفرمانی مجرم، مسئولیت کیفری نیز باید به شرکت ادغام‌کننده منتقل گردد فلذا این افراد قائل به انتقال مسئولیت کیفری در روند ادغام هستند. این دیدگاه از این جهت دارای مشکل است که در اثر سکوت قانونگذار در این مسئله‌ی خاص، آثار حقوقی خاصی نیز متعاقباً پدیدار خواهد شد. در چنین وضعیتی اصول حاکم بر مجازات‌ها به میان خواهد آمد که از جمله آن می‌توان به اصل شخصی بودن مجازات و تفسیر مضیق قوانین جزایی اشاره نمود. بر این اساس گروه مخالف این نظریه چنین استدلال می‌نمایند که بر اساس اصل شخصی بودن مجازات نمی‌توان شخص حقوقی دیگری را به علت ارتکاب جرم توسط شخصی دیگر مجازات نمود (شریفی، محسن، ۱۳۹۳؛ ۱۲۳) همچنین بر اساس اصل تقسیر مضیق قوانین جزایی، از آنجاکه قانون در اینخصوص سکوت و ابهام را در پیش گرفته فلذا نمی‌توان راساً با تقسیر موسع، حکم بر انتقال مسئولیت کیفری داد.

اما عده‌ای دیگر بر این دیدگاه هستند که با توجه به انحلال شرکت و زوال شخصیت حقوقی شرکت‌های ادغام‌شونده، عملاً شرکت مذکور همانند یک شخص حقیقی مرده تلقی می‌گردد (شریفی، محسن، ۱۳۹۶؛ ۱۶۳) و بند الف ماده ۱۳ قانون آئین دادرسی کیفری^۱

^۱ ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری: تعقیب امر کیفری که طبق قانون شروع شده است و همچنین اجرای مجازات موقوف نمی‌شود، مگر در موارد زیر: الف) فوت متهم یا محکوم علیه ب) گذشت شاکه یا مدعی خصوصی در جرائم قابل گذشت پ) شمول عفو ت) نسخ مجازات قانونی ث) شمول مرور زمان در موارد پیش‌بینی شده در قانون ج) توبه متهم در موارد پیش‌بینی شده در قانون چ) اعتبار امر مختوم

مرگ متهم و یا محوم علیه را یکی از جهات سقوط دعوای کیفری تلقی نموده است. این گروه همچنان که گفته شد با توسل به اصول شخصی بودن مجازات و تفسیر مضیق قوانین جزایی قائل بر عدم انتقال مسئولیت کیفری در روند ادغام هستند. این دیدگاه نیز خالی از مشکل نبوده و باعث فراهم نمودن بسترهای ارتکاب جرم می‌گردد بطوری که با درپیش گرفتن این روند در محاکم کیفری بسیاری از شرکت‌های تجاری که مرتکب جرم شده‌اند یا در آستانه ارتکاب جرم هستند به صرف ادغام شرکت خود در یک شرکت دیگر از مسئولیت کیفری خود فرار نموده و مورد تعقیب کیفری قرار نخواهند گرفت.

با این اوصاف این سوال در ذهن متبادر می‌گردد که چه راهکار و چهارچوب قانونی باید موجود باشد که در عین حفظ و رعایت اصول حاکم بر مجازات از قبیل اصل شخصی بودن مجازات، از بی‌کیفرمانی و فرار شرکت‌های تجاری مجرم از مسئولیت کیفری جلوگیری نماید؟ بدین منظور، شروط و ضمانت‌های اجرایی موثر جهت ادغام شرکت‌های تجاری می‌تواند مفید واقع گردد. برای مثال شرط عدم ارتکاب جرم یا اعاده‌ی حیثیت یا شمول مرور زمان در فرض ارتکاب جرم می‌تواند از جمله این شروط باشد که اداره ثبت اسناد می‌بایست پیش از تکمیل روند ادغام، استعلامات لازم را از دادگستری و سایر مراجع ذیصلاح اخذ نماید. در صورتی که ادغام صورت پذیرفت و پس از ادغام، جرم ارتكابی شرکت ادغام شونده کشف شد ضمانت اجرایی چون ابطال ادغام و تاسیس مجدد شخصیت حقوقی شرکت ادغام شده، می‌تواند به تعقیب کیفری و جلوگیری از فرار از مسئولیت کیفری کمک کند (شریفی، محسن، ۱۳۹۶؛ ۱۶۰).

با توجه به روشن شدن ابعاد مختلف این نکته را نیابد فراموش کرد که در انتقال مسئولیت کیفری در روند ادغام و تعقیب کیفری شرکت ادغام کننده یک عنصر مهم دیگر نیز وجود دارد و آن وجود رکن معنوی و سوءنیت شرکت ادغام کننده است. بر این مبنا سه فرض شکل می‌گیرد. در فرض اول شرکت ادغام کننده پیش از ادغام جرمی را مرتکب شده که

طبیعتاً پس از ادغام نیز مورد تعقیب قرار می‌گیرد، در فرض دوم شرکت ادغام کننده از وقوع جرم توسط شرکت ادغام شونده آگاه بوده و با علم به مجرم بودن شرکت ادغام شونده دست به ادغام زده است و یا در تباری با شرکت ادغام شونده و به جهت فراری دادن آن دست به ادغام می‌زند که در این حالت نیز شرکت ادغام کننده مسئول است و مسئولیت کیفری منتقل می‌گردد، فرض سوم آن است که شرکت ادغام کننده از ارتکاب جرم توسط شرکت ادغام شونده با خبر نبوده و بدون سوءنیت قبلی اقدام به ادغام می‌کند که دو نظریه مطرح شده و کلیه اختلافات نظری در این فرض حادث می‌گردد و نه فروض دیگر که انتقال مسئولیت کیفری امری قطعی و بدیهی تلقی می‌شود.

بخش دوم: مصادیق انتقال مسئولیت کیفری در روبه قضایی

همانگونه که بیان شد در قوانین مدون ایران انتقال مسئولیت کیفری در صورت ادغام مسکوت مانده است و تنها در جهت‌گیری‌هایی پراکنده در قوانین خاص اشاراتی بدان داشته است. سول اینجاست که در حقوق ایران که روبه قضایی جهت‌گیری صریحی ندارد چگونه می‌توان انتقال مسئولیت کیفری را تبیین نمود؟ پاسخ به این پرسش را از عدم پذیرش انتقال مسئولیت کیفری در فرآیند ادغام تا پذیرش این انتقال باید بررسی نمود.

الف) عدم پذیرش انتقال مسئولیت کیفری در فرآیند ادغام در روبه

با توجه به عدم دسترسی گسترده و عمومی به آرای قضایی در نظام حقوقی ایران، دادنامه‌های بسیاری در این خصوص در دسترس عموم مردم قرار ندارد اما بررسی یک نشست قضایی در همین رابطه، این امکان را فراهم می‌آورد که با دیدگاه‌ها و استدلال‌های مختلف قضات و روبه قضایی آشنا شویم.

این نشست قضایی که در تاریخ ۱۳۹۸/۰۲/۲۶ در شهر محمودآباد استان مازندران و با پرسش "چنانچه شخص حقوقی شرکت تجاری مرتکب رفتار مجرمانه شود آیا در فرض ادغام آن با شرکت تجاری دیگر، مسئولیت کیفری شرکت ادغام شونده به شرکت ادغام پذیر، قابل انتقال است؟" برگزار شده است دیدگاه روشنی از جهت گیری قضات در رابطه با موضوع مطروحه ارائه می کند.

بر مبنای آنچه که در بخش نخست از نظام حقوقی ایران بیان گردید، قضات در این فرض نیز به دو دسته تقسیم گردیده اند. به عبارت دیگر اکثریت قضات در این نشست بر این عقیده هستند که با ادغام شرکت ها، مسئولیت کیفری از شرکت ادغام شونده به شرکت ادغام پذیر (شرکت مادر)، منتقل نمی شود. مهم ترین دلایل این گروه بدین شرح است:

۱) با توجه به اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری، هر یک از اشخاص حقوقی، به تنهایی بار مسئولیت جرایم ارتکاب یافته از سوی نمایندگان قانونی خود را به دوش کشیده و در قبال رفتار مجرمانه‌ی شخص یا اشخاص حقوقی دیگر پاسخگو نخواهند بود. شرکت اول پس از ادغام شخصیت حقوقی اش از بین رفته است، مانند فرضی که مرتکب جرم که شخص حقیقی است و فوت می کند. این موضوع در قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) نیز پیش بینی شده است. به موجب ماده ۶۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲)، در صورت انحلال غیر ارادی شخص حقوقی حسب مورد قرار موقوفی تعقیب یا موقوفی اجراء صادر می شود. مقررات مربوط به قرار موقوفی تابع مقررات آیین دادرسی کیفری است.

۲) انتقال مسئولیت کیفری به شرکت ادغام پذیر (شرکت مادر) که از شخصیتی مستقل برخوردار بوده و در تحقق جرم پیش از ادغام مداخله‌ای نداشته است، چندان موجه و عادلانه نیست. ماده ۶۹۰ و ۶۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) بیان می‌دارند «در صورت توجه اتهام به شخص حقوقی»، در حالی که

شرکت سابق کلاً منحل شده است و شرکت کنونی دارای شخصیت حقوقی مستقل است که این شخصیت از قبل از ادغام وجود داشته است و اتهام هیچگاه متوجه او نبوده است و نیست.

۳) قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) در ماده ۱۴۳ بیان می‌دارد: «در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود.» بنابراین ماده ۱۴۳ اصل را بر مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی گذاشته است و در مورد اشخاص حقوقی به عنوان یک استثنا و بر پایه‌ی شرط‌هایی ارتکاب جرم به نام یا در راستای منفعت اشخاص حقوقی از سوی نماینده‌ی قانونی قائل به مسئولیت کیفری آن‌ها شده است. بنابراین در صورت بروز تردید در تسری یا عدم تسری مسئولیت کیفری به شرکت‌های در حال ادغام، عدم تسری به آن موجه‌تر است؛ با این تبیین که باید هر حکم استثنایی را در قدر متیقن خود باقی گذارد و هر نص جزایی مسکوت را به نفع متهم تفسیر کرد.

با توجه به استدلال این گروه از قضات، در صورت ارتکاب جرم توسط شرکت ادغام‌شونده، با عنایت به ابزار قانونی فعلی که در اختیار مقامات قضایی است هیچگونه راهی جهت تعقیب و کیفر متهم وجود ندارد و در نهایت می‌بایست وفق ماده ۶۹۲ ق.آ.د.ک. قرار موقوفی تعقیب صادر نمود فلذا این ایراد اساسی به این ایده مطرح است که تکلیف حقوق بزه‌دیده در این میان چیست و چگونه می‌تواند نسبت به احقاق حق خود اقدام نماید؟ آیا بی‌کیفرمانی مجرم مخالف با اصول جزایی نیست؟ پیش از پاسخ به این سوالات ضروری است که دیدگاه گروه اقلیت نیز مورد بررسی قرار گیرد.

ب) پذیرش انتقال مسئولیت کیفری در فرآیند ادغام در روبه

دیدگاه اقلیتی قضات در پذیرش انتقال مسئولیت کیفری که در این نشست منعکس گردید بر این باور است که مسئولیت کیفری شرکت منحل شده به شرکت مادر، منتقل می‌شود. مهم‌ترین دلایل این گروه بدین شرح بوده است:

- ۱) شرکت ادغام‌کننده جانشین شرکت یا شرکت‌های ادغام‌شونده شده و پس از ادغام، کلیه دعاوی له و علیه شرکت یا شرکت‌های ادغام‌شونده، از سوی شرکت ادغام‌کننده طرح و به طرفیت آن قابل اقامه خواهد شد. همچنان که ماده ۲۰ لایحه‌ی قانونی ادغام اداره‌ی امور بانک‌ها (مصوب ۱۳۷۸) در این باره مقرر می‌دارد: «کلیه دارایی‌ها و بدهی‌های بانک مذکور در مقابل اشخاص ثالث از هر جهت قائم مقام بانک‌های ادغام‌شده می‌باشد.»
- ۲) اگرچه قوانین کیفری ایران در این زمینه ساکت است اما با مراجعه به اصول و قواعد کلی می‌توان شرکت‌پذیرنده ادغام را دارای مسئولیت کیفری دانست. در واقع در این موارد، شرکت مادر، قائم مقام شرکت ادغام‌شده می‌شود و تمام مسئولیت‌های شرکت سابق را بر عهده می‌گیرد. این مساله قابل توجیه نیست که برخی از مسئولیت‌ها مانند مسئولیت مدنی و مسئولیت‌های قراردادی شرکت ادغام‌شونده را بر عهده بگیرد و مسئولیت‌های دیگر مانند مسئولیت کیفری را بر عهده نگیرد. در واقع شرکت ادغام‌پذیر باید یا همه حقوق و تعهدات را بر عهده می‌گیرد یا هیچ یک از حقوق و تعهدات.
- ۳) اگر مسئولیت کیفری شرکت ادغام‌پذیر (شرکت مادر) را نپذیریم این موضوع موجب سو استفاده اشخاص حقوقی مرتکب جرم خواهد شد؛ به طوری که برای فرار از مجازات قانونی جرایم ارتكابی ممکن است به ادغام خود در شرکت‌های دیگر، متوسل شوند.

۴) در صورتی که مجازات‌های تعیین شده برای اشخاص حقوقی به موجب ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، جنبه مالی داشته باشد مانند دیه و جزای نقدی یا مصادره اموال، چنین انتقالی معنی ندارد. بنابراین همچنانکه سایر حقوق و تعهدات مالی شرکت ادغام شونده به شرکت ادغام پذیر منتقل می‌شود این موارد جزو مسئولیت کیفری شرکت ادغام شونده، زمینه تعهدات مالی است و انتقال آن از نظر حقوقی نیز معنی ندارد.

۵) اگر مسئولیت کیفری را در این فروض قابل انتقال ندانیم ممکن است در برخی موارد موجب ناپدید گشته شدن حقوق زیان دیده از جرم شود. به عنوان مثال تبصره ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) بیان می‌دارد: «چنانچه رابطه علیت بین رفتار شخص حقوقی و خسارت وارد شده احراز شود دیه و خسارت، قابل مطالبه خواهد بود.» حال تصور کنید شرکتی که مکلف به پرداخت دیه شده است منحل و در شرکت دیگر ادغام شود؛ در اینجا مصدوم یا زیان دیده باید دیه خود را از چه کسی مطالبه کند؟ اگر بتواند از شرکت ادغام پذیر مطالبه کند، حقوق وی رعایت شده است در غیر اینصورت منصفانه به نظر نمی‌رسد.

در نهایت هیئت عالی این نشست قضایی نظری بدین شرح که «با تذکر به اینکه مسئولیت شرکت (شخص حقوقی) در پرداخت دیه با لحاظ ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مسئولیت مدنی است (و نه کیفری)، نظریه اکثریت قضات محترم دادگستری شهرستان محمود آباد مورد تأیید است»؛ را صادر می‌نماید.

درواقع اساسی‌ترین و مهم‌ترین استدلال عدم پذیرش انتقال مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی بر این پایه استوار است که شخصی که اساساً در ارتکاب جرم نقشی نداشته است و به تعبیری دیگر نه رکن مادی جرم را انجام داده و نه سوءنیت و قصد ارتکاب جرم را داشته است با چه منطق و اصول جزایی می‌بایست بار مجازات جرایم فردی دیگر را بر دوش

بکشد؟ برخلاف مسئولیت مدنی که شخص ثالث می‌تواند پرداخت دیون را در قالب‌های مختلفی چون عقد ضمانت و رهن و .. بر عهده گیرد اما این نکته که در مسئولیت کیفری، مجازات اشخاص قائم به شخص و با اهدافی از قبیل اصلاح مجرم و استقرار عدالت صورت می‌پذیرد از دید این دسته از قضات مغفول مانده و به اشتباه و بدون در نظر گرفتن اصول منتطقی جزایی ماهیت مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری اشخاص را با هم خلط نموده‌اند.

در توضیح ایرادات مطرح شده باید گفت که اولاً، شخص حقوقی یک شخص انتزاعی است و اینکه بپنداریم عنصر سو نیت در شخص حقوقی ادغام شونده وجود داشته و سپس در شخص حقوقی ادغام پذیر، با همان ماهیت و کارکرد، محو شده است، موجه به نظر نمی‌رسد. دوم آنکه اگر بپذیریم این ادغام در جهت تسهیل رفتارهای مجرمانه شخص حقوقی صورت گرفته است، اتفاقاً این ادغام خود بیانگر امتداد سو نیتی است که در ادغام شونده وجود داشته و در ادغام پذیر ادامه یافته است. در نهایت نباید از خاطر برد که حقوق موضوعه ایران مواردی را پذیرفته است که در آن مسئولیت کیفری فرد به علت رفتار دیگری مورد پذیرش قرار گرفته است. در همین راستاست که ماده ۱۴۲ قانون مجازات اسلامی پیش بینی کرده است که «مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری تنها در صورتی ثابت است که شخص به طور قانونی مسؤول اعمال دیگری باشد یا در رابطه با نتیجه رفتار ارتكابی دیگری، مرتکب تقصیر شود». در واقع می‌توان ماده ۱۴۲ را اینگونه تفسیر نمود که شخص حقوقی پذیرنده ادغام با پذیرش این ادغام مسئولیت رفتار ارتكابی ادغام شونده را پذیرفته و بر آن صحه گذاشته است که اگر غیر از این می‌بود نباید تن به این ادغام می‌داد.

در این راستا در حقوق فرانسه نیز در رای‌ی که اخیراً صادر شده مساله انتقال مسئولیت کیفری مورد پذیرش واقع شده است. شعبه جنایی دیوان عالی کشور فرانسه در تاریخ ۲۲

می ۲۰۲۴ (شماره ۲۳.۸۳-۱۸۰) رایبی صادر نمود و در آن انتقال مسئولیت کیفری شرکت با مسئولیت محدود ادغام پذیرنده را برای جرایم ارتكابی توسط شرکت ادغام شونده می‌پذیرد. در واقع اگر انتقال در جهت فرار از مجازات کیفری و دور زدن از قوانین باشد، حقوق موضوعه فرانسه با آن برخورد کرده و مسئولیت کیفری را به صورت استمداد یافته تلقی می‌کند.

نتیجه

شرکت‌های تجاری در طول فعالیت خود ممکن است بنا به دلایل مختلفی دست به ادغام بزنند. با توجه به روند قانونگذاری در ایران می‌توان متوجه شد که قانونگذار ایرانی طی سالیان گذشته توجه خاصی نسبت به تقنین و تنقیح قوانین خاص جهت چارچوب‌دهی به نحوه انتقال مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی در مرحله ادغام داشته است اما تا این لحظه نسبت به انتقال مسئولیت کیفری در فرآیند ادغام موضع سکوت را در پیش گرفته است. با توجه به شرایط اقتصادی ایران و رو آوردن هرچه بیشتر شرکت‌های تجاری به تغییراتی از قبیل انحلال و یا ادغام از یکسو و نبود رویه قضایی مشخص و به تبع آن اختلاف دیدگاه فاحش میان قضات از سوی دیگر فلذا ضروری است قانونگذار جهت تضمین امنیت معاملات در چارچوب نظم عمومی اقتصادی، استقرار عدالت و جلوگیری از فرار از مجازات نسبت به چهارچوب‌گذاری در خصوص مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در مرحله ادغام اقدام نماید.

در این میان استفاده از ظرفیت و تجربه کشورهای دیگر در این زمینه می‌تواند مفید و کارساز عمل نماید که با توجه به شاخص ذکر شده و همچنین شباهت فراوان میان نظام حقوقی ایران و فرانسه، الگو قرار نهادن قوانین جزایی فرانسه در این مبحث خاص کارساز بنظر می‌رسد.

باتوجه به آنکه هر نوع از ادغام آثار حقوقی مختلفی را بر اساس تشکیل و یا عدم تشکیل شخصیت حقوقی جدید پس از ادغام به دنبال دارد و در این رابطه تعریف مشخصی در منطوق مواد قوانین جزایی و یا تجاری وجود ندارد بنابراین قانونگذار در مرحله اول می‌بایست با ارائه تعریف هر نوع از انواع ادغام نسبت به تفکیک آنها اقدام نماید چه آنکه در ادغام عملی اساساً شخصیت حقوقی جدیدی شکل نمی‌گیرد که مسئولیت کیفری انتقال

یابد. جدای از آن ضروری است که این تفکیک با توجه به ماهیت و ساختار شرکت تجاری و هدف از ادغام صورت گیرد.

عمده توجه قانونگذار می‌بایست پیشگیری از وقوع جرم یعنی پیشگیری از ادغام به قصد فرار از مسئولیت کیفری و مجازات باشد که در این رابطه بایستی سازوکارهای خاصی پیشبینی گردد. برای مثال اداره ثبت اسناد می‌تواند ملزم گردد که پیش از تکمیل روند ادغام، استعلامات لازم را از دادگستری و سایر مراجع ذیصلاح در خصوص سوءپیشینه شرکت ادغام شونده و یا در حال رسیدگی بودن عنوان اتهامی آن اخذ نماید. اگر قانونگذار قائل به انتقال مسئولیت کیفری از شرکت ادغام شونده به شرکت ادغام پذیر در هر نوع از انواع ادغام قانونی می‌باشد که در اینخصوص باید تصریح نماید و در غیر اینصورت اگر قائل به انتقال نیست و حتی پس از ادغام، شرکت ادغام شونده را مسئول تلقی می‌کند که در این مورد رویکردهای دیگری از قبیل ابطال ادغام و تاسیس مجدد شخصیت حقوقی شرکت ادغام شده، می‌تواند به تعقیب کیفری و جلوگیری از فرار از مسئولیت کیفری کمک کند.

به هر روی با توجه به آنچه تشریح گردید و با عنایت به استدلالات حقوقی و اقتضائات اقتصادی و اجتماعی به عقیده ما پذیرش انتقال مسئولیت کیفری در ادغام اشخاص حقوقی منصفانه تر و عادلانه تر بوده و در راستای اصول حقوق کیفری مدرن تلقی می‌گردد.

فهرست منابع

الف- فارسی

کتاب‌ها

۱. جعفری، امین (۱۳۹۹). مبانی کیفری حقوق کسب و کار. سازمان سمت.
۲. صفری، محمد (۱۳۹۰). حقوق بازرگانی: تاسیس، تبدیل، ادغام، انحلال. چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۳. فرج‌اللهی، رضا (۱۳۸۸). مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق فرانسه. چاپ اول، نشر میزان، تهران.
۴. استفانی، گاستون، لواسور، ژرژ؛ و برنار بولوک. حقوق جزای عمومی. ترجمه حسن دادبان (۱۳۸۳). جلد اول، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

مقالات

۵. اشتیاق، وحید (۱۳۸۶). مجله پژوهش‌های حقوقی، سال ششم، شماره ۱۱، بهار و تابستان.
۶. جهان‌خانی، علی، ثقفی، علی؛ عارفی، اصغر (۱۳۸۵)، مبانی تئوریک و کاربردی ادغام شرکت‌ها، تحقیقات مالی، سال ۷۴: ۸-۴۷.
۷. شریفی، محسن (۱۳۹۳). مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق ایران و انگلستان، رساله دکتری، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
۸. شریفی، محسن (۱۳۹۶)، مسئولیت کیفری شرکت‌های تجاری در وضعیت‌های خاص، (قبل از ثبت، پس از ادغام و در حال تصفیه)، پژوهش حقوق کیفری، شماره بیستم.
۹. قریشی، اسلام، حسین‌علی، ملایی (۱۴۰۰)، بررسی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی، فصلنامه بین‌المللی قانون یار.
۱۰. مجاهد، افشین (۱۴۰۰)، رویکردی تطبیقی بر آثار ادغام شرکت‌های تجاری، تمدن حقوق، دوره ۴، شماره ۸.

۱۱. موسوی مجاب، سید درید، رفیع‌زاده، علی (۱۳۹۴). دامنه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی، پژوهش حقوق کیفری.

قوانین و مقرره ها

۱۲. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
۱۳. قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۹
۱۴. قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶
۱۵. قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹
۱۶. قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱
۱۷. لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷
۱۸. لایحه قانونی اداره امور بانک‌ها مصوب ۱۳۵۸
۱۹. آیین‌نامه نحوه تاسیس و اداره موسسات اعتباری غیردولتی مصوب ۱۳۹۳
۲۰. لایحه قانون تجارت مصوب ۱۴۰۳

ب - غیر فارسی

21. Danjaume, Géraldine et Arpin Gonnet, Franck (1994). Droit pénal Général, sous la direction de Claude Garcin éd, L, Hermès, .
22. Desportes, Frédéric : Le Gunehec, Francis (2003). Droit Pénal Général, éd, Economica.
- 23.
24. Kansal, Sugandh, and Arti Chandani (2014). Effective Management of Change During Merger and Acquisition, Elsevier.
- 25.

26. Leturmy, Laurence, Kolb, Patrick (2008). L'essentiel Du Droit Pé nal Gé né ral, é d,
Gualino é diteur\.